

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یادداشت‌های روزانه

مجموعه آثار (۳)

خاطراتی از

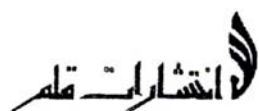
«دوران جوانی»، «سفر حج»، «دادگاه‌ها» و

«زندان سیاسی»

مهندس مهدی بازرگان

بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان

انتشارات قلم



یادداشت‌های روزانه

مهندس مهدی بازرگان، چاپ پڑمان

۵۰۰۰ نسخه، چاپ اول، ۱۳۷۶، ۵۹۲ صفحه وزیری

تهران: تقاطع بهار و سمیه - ساختمان ایرج طبقه همکف

شماره ۶ - تلفن: ۸۸۲۹۳۶۴ - کدپستی: ۱۵۷۱۸

شابک: ۸-۰۲۳-۳۱۶-۹۶۴ ISBN : 964-316-023-8

فهرست مطالب

۳.....	مقدمه
۷.....	بخش اول، خاطراتی از دوران جوانی
۴۱.....	بخش دوم، خاطرات سفر حج
۵۷.....	بخش سوم، خاطرات زندان
۴۳۱.....	بخش چهارم، صحبت‌هایی با خانواده
۵۷۱.....	فهرست اسامی (نمایه اشخاص)

بسمه تعالی

«تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلكُمْ مَا كَسَبْتُمْ...» (بقره ۱۳۴/۲)
آنها مردمانی هدفدار بودند که رفتند. برای آنها است دستاوردشان
و برای شما است دستاوردشان... .

مقدمه

آدمیان و امت‌ها در صفی طولانی از آغاز تا انتهای تاریخ به تدریج و به نوبت صحنه حیات را ترک می‌کنند و با دستاوردهای سبک یا سنگین به پیشگاه عدل الهی شتافته و در محضر «مالک یوم‌الدین» حاضر می‌شوند. حیوانات کاری به کردار هم‌نوعان خود ندارند و به «خود» مشغول‌اند. ولی از امتیازات آدمی همین نظاره بر عملکرد رفتگان و تجربه‌اندوزی از رفتار آنان می‌باشد. عبرت‌گیری و بصیرت‌یابی از بندگان دیگر راه‌های مختلفی دارد که خاطره‌نویسی یکی از آنها است. در دوران شکوفایی تمدن اسلامی، سفرنامه و ثبت و ضبط وقایع و مشاهدات و مکتوب کردن معلومات و مسموعات بسیار رایج بوده است. اما از آنجایی که ما امروزه بسیاری از اطلاعات در زمینه تاریخ، ادبیات، هنر، اقتصاد، اجتماع، آداب و رسوم خود را از منابع خارجی و سفرنامه‌ها و خاطرات و گزارش‌های آنان کسب کرده‌ایم، تصور می‌کنیم این شیوه‌ها غربی است و خاطره‌نویسی تقلیدی خودخواهانه به شمار می‌رود. خوشبختانه چندین سال است که این سنت بار دیگر در این دیار رونق گرفته است. از همان سال‌های اول پس از انقلاب، ابتدا موج مقالات و متن‌گزارش و تحقیق خبرنگاران، سفرا و کارداران، سیاستمداران و تحلیل‌گران غربی را در هزاران مقاله و صدها کتاب شاهد بودیم، پس از آن خاطره‌نویس‌های خودمان در داخل و خارج کشور، از امراء ارتش اسبق گرفته تا سیاستمدارهای بازنشسته و فعال و موافق

و مخالف، چپ و راست، ملی و مستبد و سلطنت طلب و ضد سلطنت و... شروع به کار کردند و در بازار کساد کتاب، زندگی نامه‌ها رونق قابل توجهی گرفت. هر چند راست و دروغ و حقیقت و مجاز در بسیاری از آنها مخلوط شده، اما امید است این کار فرهنگی زمینه و بستر پربرکتی برای بهره‌گیری بهتر از گذشته برای پیمودن راه آینده گردد.

مجموعه‌ای که پیش رو دارید، از موضوعات متنوعی تشکیل شده که نگارنده به عنوان «یادداشت روزانه» در دوران مختلف زندگی و به مناسبت‌های گوناگون به رشته تحریر درآورده است. این یادداشت‌ها به نظر نمی‌رسد برای چاپ و مطالعه دیگران نوشته شده باشد، ثبت و ضبط وقایع و مکتوب کردن حوادث مهم زندگی و تجزیه تحلیل آن، هم عبرت می‌آموزد و هم تسلط و تمرکز به افکار و اندیشه آدمی می‌بخشد. به همین دلیل هم نویسنده در زمان حیات خویش، علی‌رغم آنکه کتاب‌ها و مقالات زیادی را به طبع رسانده است، تلاشی جدی برای چاپ این یادداشت‌ها، که ساده و سریع و بی‌آلایش و بی‌آرایش نوشته شده است؛ شاید به دلیل احتراز از حدیث نفس، به عمل نیاورد. اما اکنون که تقدیر الهی او را به دیار باقی برده است، به نظر بازماندگان، اطلاع هموطنان از این یادداشت‌ها و استفاده از تجربیات زندگی یکی از خدمتگزاران خود، می‌تواند به خواست خدا منشأ خیر و خدمتی گردد، به همین دلیل تصمیم گرفته شد بخش‌هایی از این خاطرات را که از گزند حوادث روزگار و ابناء آن به سلامت باقی مانده است تدوین و تنظیم نموده تقدیم هموطنان عزیز نماید.

این مجموعه با خاطراتی از دوران جوانی، ازدواج، استخدام، اشتغال به کار و احضار به ارتش برای اعزام قوا به سرحدات در ایام بحران خیز جنگ دوم جهانی شروع می‌شود و با یادداشت‌های دوران زندان پنج ساله (۱۳۴۱ تا ۱۳۴۶) ختم می‌شود. در وسط نیز خاطراتی از سفر حج به آن اضافه شده است.

در خاطرات دوران جنگ از مقاومت مردانه لشکر تبریز و برخی لشکرهای سرحدی با افتخار و از افتضاح فرار و استعفای رضاشاه، تخلیه سربازخانه‌ها، تطاول سربازان روسی با تأسف یاد شده و گزارش عبرت‌انگیزی از روحیه و رفتار مردم داده شده است.

خاطرات دوران زندان، که بخش عمده این مجموعه را تشکیل می‌دهد، شامل دو قسمت؛ ۱- پیش آمدها و جریانات سیاسی داخل زندان و کل مملکت، ۲- صحبت‌های

خانوادگی است. این یادداشت‌ها به تدریج و به طور مخفیانه توسط افراد ملاقات کننده یا در فاصله جلسات دادگاه به بیرون فرستاده می‌شد و گه‌گاه هم گیر می‌افتاد و از دست می‌رفت (همچون خاطرات بسیار با ارزش دوران تبعید به برازجان و زندگی دسته جمعی با افسران زندانی حزب توده). آنچه به خارج می‌رسید نیز چندان مصونیت نداشت و به کرات قسمت‌هایی از آن به هنگام دستگیری‌های بعدی مصادره می‌شد، به طوری که تعدادی از آنها پس از انقلاب از اطاق یکی از بازجوهای ساواک به دست آمد! در این یادداشت‌ها نام و نشان قریب ۱۵۰۰ نفر که در آن ایام در زندان بودند یا به ملاقات زندانی‌ها می‌آمدند و یا به نحوی نقشی در مبارزه داشتند آمده است. بنابراین خلاصه و تاریخچه‌ای از مبارزات ملت ایران در پنج سال بحرانی ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۶ به خصوص قیام ۱۵ خرداد سال ۴۲ به شمار می‌رود.

بخش «صحبت با خانواده»، از یادداشت‌های زندان نیز هر چند غیر سیاسی و به ظاهر خصوصی است، اما بعد دیگری از شخصیت نویسنده را، به عنوان یک سیاستمدار و متفکر و مبارز، نسبت به همسر و فرزند و احساس تعهد و مسئولیت نسبت به آنها، علی‌رغم همه اشتغالات اجتماعی نشان می‌دهد.

به این ترتیب هم خلاصه‌ای از پیش‌آمدهای برجسته زندگی نویسنده محسوب می‌شود و هم گزارش صادقانه‌ای از حوادث و قضایای معاصر می‌باشد. امیدواریم خالی از فایده نبوده خوانندگان را عبرت و نویسنده را مغفرت و رحمت بیفزاید.

عبدالعلی بازرگان